

نقش و جایگاه مطالعات میان رشته‌ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور*

علی اصغر قاسمی^۱، راضیه امامی میبدی^۲
دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۸؛ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۹

چکیده

یکی از ابزارهایی که می‌تواند در رشد و توسعه تمامی علوم، به‌ویژه علوم انسانی نقش داشته باشد، توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای است. در این مقاله تلاش شده است از طریق مصاحبه نیمه‌ساختمند با جمعی از صاحب‌نظران و اندیشمندان کشور و تحلیل محتوای آرای ایشان به این پرسش پاسخ داده شود که از نظر خبرگان، مهم‌ترین عوامل و موانع رشد علوم انسانی در ایران چیست و توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای در رشد علوم انسانی چه نقش و جایگاهی دارد؟ نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد از نظر خبرگان، مقوله «توسعه میان‌رشته‌ای‌ها» با اختصاص جایگاه دوازدهم در میان عوامل شانزده‌گانه رشد و توسعه علوم انسانی فی‌نفسه نقش چندان مؤثری در رشد و توسعه این علوم در ایران ندارد و کارآمدی این ابزار، مستلزم تأمین شرایط مهم‌تری همچون تأمین فضای باز فکری در دانشگاه‌ها و استقلال جامعه علمی است. همچنین توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای در صورتی‌که به افزایش هم‌افزایی علمی صاحب‌نظران رشته‌های مرتبط در حوزه علوم انسانی و نیز ارتقای توانمندی علمی استادان، دانشجویان و پژوهشگران و کاربردی‌تر شدن علوم انسانی در کشور منجر شود، می‌تواند در رشد و توسعه علوم انسانی و اجتماعی مؤثر واقع گردد.

کلیدواژه: ایران، علوم انسانی، مطالعات میان‌رشته‌ای، خبرگان.

* این مقاله مستخرج طرح پژوهشی «طراحی الگوی مطلوب سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه علوم انسانی کشور» است که به کارفرمایی دبیرخانه ممیزی توسعه علوم انسانی معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری در پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی انجام شده و در سال ۱۳۹۲ خاتمه یافته است. آقای دکتر محمد امین قانع‌ی‌راد ناظر علمی این طرح پژوهشی بوده‌اند که به این وسیله از زحمات ایشان قدردانی می‌شود.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول). ghasemi_aliasghar@yahoo.com
۲. دانش‌آموخته دکتری رشته سیاست‌گذاری عمومی در دانشگاه تهران. emamirazie@alumni.ut.ac.ir

علوم انسانی در ایران، به دلایل مختلف دارای اهمیت زیادی است. دل مشغولی‌های اساسی مردم و دولت در تاریخ معاصر ایران به مسئله «توسعه و پیشرفت» و وجود رابطه تنگاتنگ بین توسعه و علوم انسانی، یکی از مهم‌ترین این دلایل است. براساس نظر بسیاری از صاحب‌نظران توسعه، تولید علم یکی از شالوده‌های اساسی توسعه و پیشرفت جوامع است و در میان تمام علوم، علوم انسانی رابطه وثیق‌تری با مفهوم توسعه و پیشرفت دارد؛ زیرا مبانی فکری و چارچوب‌های نظری توسعه‌یافتگی بر آن استوار می‌شود.

توجه به تولید علم به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اصلی توسعه و پیشرفت کشور، در دو دهه اخیر اهمیت بیشتری نزد خبرگان یافته است؛ به‌نحوی که در اسناد بالادستی کشور به‌ویژه برنامه‌های توسعه، به افزایش تولید علم و ارتقای جایگاه علمی کشور در رتبه‌بندی‌های جهان توجه زیادی شده است. علاوه بر این، برای اطمینان از روند صحیح و صعودی تولید علم، نقشه جامع علمی کشور تدوین و در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است. همه این شواهد و قرائن نشان می‌دهد تولید علم به‌عنوان شالوده توسعه و پیشرفت و ضامن تأمین امنیت و اقتدار ملی در سیاست‌های کشور اولویت پیدا کرده است. با وجود این نگرش و به‌رغم موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی در ارتقای شاخص‌های علمی کشور در دو دهه گذشته، گزارش‌های موجود نشان می‌دهد، وضعیت تولید علم در حوزه علوم انسانی و اجتماعی چندان رضایت‌بخش نیست. به‌عنوان مثال براساس نتایج پژوهشی که در هسته «علم‌سنجی» مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور انجام شده است، در سال ۱۳۸۲ سهم ایران در تولید جهانی علم در حوزه علوم انسانی بسیار اندک بوده است؛ به‌گونه‌ای که کشورهایی نظیر عربستان، کره جنوبی، چین، ترکیه، مصر و تایوان که در فاصله سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ از نظر تعداد مقاله‌ها در رتبه‌های پایین‌تری نسبت به ایران قرار داشتند، در این سال‌ها همگی به‌نحو چشمگیری از ایران پیشی گرفته‌اند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۲/۴/۲۲). همچنین نتایج بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد، علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور در دوره پس از انقلاب نسبت به پیش از آن دچار پسرفت شده است، به‌نحوی که از نظر تولید علم در رشته‌های علوم انسانی، ایران در میان کشورهای منطقه خاورمیانه در رتبه‌های آخر قرار گرفته است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۲۲).

این وضعیت حتی باعث موضع‌گیری انتقادی دست‌اندرکاران و مدیران نظام، که قاعدتاً



می‌بایست از وضعیت موجود و کارنامه خود دفاع کنند، نیز شده است. به عنوان مثال رهبری نظام که همواره از پیشرفت‌های علمی کشور حمایت کرده و آن را مایه مباهات نظام جمهوری اسلامی می‌دانند، در دیدار با اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در بهمن ماه ۱۳۸۵ وضعیت و جایگاه علوم انسانی در کشور را نامناسب دانسته و بارها خواستار تحول در این زمینه شده‌اند:

«علوم انسانی حقیقتاً در کشور ما غریب و منزوی است... ما باید هم در حوزه فرهنگ عمومی مردم و برداشت و اعتقاد و باور عمومی مردم، هم در مورد خاص، باور مسئولان، اهمیت علوم انسانی را روشن کنیم. مردم باید بفهمند علوم انسانی مهم است، تاریخ مهم است، ادبیات مهم است، فلسفه مهم است، روان‌شناسی مهم است. علوم کاربردی روزانه مثل مهندسی، فنی و غیره، مثل پولی است که انسان در جیبش می‌گذارد و خرج می‌کند. درحالی‌که علوم پایه و علوم انسانی مثل ذخیره‌ای است که در بانک می‌گذارد، مانند پشتوانه‌ای است که انسان برای ثروتش دارد و تولیدکننده است. علوم انسانی برای جامعه جهت‌دهنده و فکرساز است، حرکت یک جامعه، مسیر یک جامعه، مقصد یک جامعه را مشخص می‌کند» (به نقل از ماهنامه پژوهشگران، ۱۳۸۵: ۳).

هرچند شاخص‌هایی که برای سنجش تولید علوم در کشور به‌ویژه در حوزه علوم انسانی به‌کار گرفته می‌شود مورد انتقاد جدی بسیاری از اندیشمندان علوم انسانی است و ایشان این شاخص‌ها را به این دلیل که از علوم دقیقه وارد علوم انسانی شده‌اند و با ذات این علوم سازگار نیستند، رد می‌کنند؛ با این وجود، براین باور مهر تأیید می‌زنند که وضعیت علوم انسانی در کشور مناسب نیست و باید چاره‌ای اندیشیده شود (ن.ک: ذاکر صالحی، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر، بسیاری از صاحب‌نظران کشور هر یک از زاویه خاص و عموماً دارای تفاوت‌ها و گاهی تعارضات فکری جدی در «ارزیابی نامناسب از وضعیت علوم انسانی در کشور» اشتراک نظر دارند.

یکی از راهکارهایی که در یک دهه اخیر برای شتاب بخشیدن به روند توسعه علمی کشور و نیز توسعه علوم انسانی در سیاست‌های علمی کشور مورد توجه قرار گرفته است، توسعه میان‌رشته‌ای‌ها است. به عنوان مثال در نقشه جامع علمی کشور که به تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده، «متحول‌سازی و ارتقای کمی و کیفی علوم انسانی» به عنوان یکی از راهبردهای کلان توسعه علم و فناوری در کشور مورد توجه قرار گرفته و در ذیل این راهبرد کلان «گسترش





گرایش‌های میان‌رشته‌ای در درون علوم انسانی و بین‌رشته‌های علوم انسانی با سایر علوم» به عنوان یکی از راهبردهای ملی و «ایجاد گرایش‌های میان‌رشته‌ای بین شاخه‌های مختلف علوم اسلامی، علوم انسانی و سایر علوم» به عنوان یکی از اقدامات ملی برای تحقق این راهبرد کلان مورد توجه قرار گرفته است (نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۹۰: ۵۵).

توسعه میان‌رشته‌ای‌ها، باعث تعامل میان دویا چند رشته مختلف و زمینه‌سازی برای رشد و توسعه علوم و افزایش توانمندی علم برای حل مشکلات پیچیده و چندوجهی می‌شود. این تعامل می‌تواند از تبادل ساده نظرات تا همگرایی متقابل مفاهیم، روش‌شناسی، رویه‌ها، معرفت‌شناسی، اصطلاح‌شناسی، داده‌ها و سازمان‌دهی تحقیق و آموزش در عرصه‌ای گسترده را دربرگیرد (لاتوکا^۱ ۱۳۸۷: ۱۶۵). فعالیت میان‌رشته‌ای این امکان را برای دانش‌پژوهان رشته‌های علمی مختلف فراهم می‌آورد که شناخت بهتری از فعالیت‌های علمی یکدیگر به دست آورند. آنها هرکدام از موضوع و فرضیات خاص خود که از مشروعیت لازم در چارچوب آن رشته برخوردار است، با موضوع برخورد می‌کنند و بحث و تبادل نظر میان آنها و به چالش کشیدن فرضیات هرکدام، آنها را به سوی درکی جدید از موضوع هدایت می‌کند (رولاند^۲، ۱۳۸۷: ۱۶-۴). این قابلیت مطالعات میان‌رشته‌ای روند طبیعی تکامل علم را منعکس می‌کند، زیرا افراط در تخصصی شدن پژوهش‌گرو از دست دادن ارتباط و همبستگی‌های میان موضوع مطالعه یک رشته با موضوعات سایر رشته‌ها و جهان پیرامونی، رشته‌های دانشگاهی را از کارکرد اصلی‌شان خارج می‌کند (مورن^۳، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۲). به این ترتیب، میان‌رشته‌گی داعیه جامع‌نگری و حل مسائلی را دارد که شاخه‌های مختلف علمی به تنهایی قادر به حل آنها نیستند.

با وجود اینکه در دهه گذشته توجه به وضعیت علوم انسانی در کشور و آسیب‌شناسی آن بیش از پیش به دغدغه اصحاب آن رشته تبدیل شده است و بسیاری از صاحب‌نظران کشور در قالب تألیف کتاب و مقاله (رفیع‌پور، ۱۳۸۱؛ پایا، ۱۳۸۳، قانع‌راد، ۱۳۸۴؛ فاضلی، ۱۳۸۶؛ داوری، ۱۳۸۹؛ فراستخواه، ۱۳۸۹)، اجرای طرح‌های پژوهشی و برگزاری همایش‌های علمی (مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی، ۱۳۸۷؛ همایش تحول در علوم انسانی، ۱۳۹۰) به این موضوع پرداخته و ادبیات مناسبی در این مورد تولید کرده‌اند، بررسی‌ها نشان می‌دهد، کتاب‌ها و مقالات اندکی به نقش میان‌رشته‌ای‌ها در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور پرداخته‌اند. بر

1. Lisa R. Lattuca
2. Rowland S.
3. Moren Edgar



همین اساس در این مقاله تلاش شده است از طریق مصاحبه نیمه ساختمند با جمعی از مؤلفان این آثار و نیز برخی از اندیشمندان کشور و تحلیل محتوای آراء آنها به این پرسش پاسخ داده شود که از نظر خبرگان، مهم‌ترین عوامل و موانع رشد علوم انسانی در ایران چیست و «توسعه میان‌رشته‌ای‌ها» چه نقش و جایگاهی در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور می‌تواند ایفا کند؟

۱. مبانی نظری و مفهومی: تعاریف و اهداف مطالعات میان‌رشته‌ای

مطالعه میان‌رشته‌ای را «فرایند پاسخ‌گویی به یک پرسش، حل مسئله یا بررسی موضوعی آنچنان گسترده و پیچیده که نمی‌تواند به وسیله یک رشته یا یک حرفه حل شود» تعریف کرده‌اند (کلاین^۱، ۲۰۲: ۱۳۸۷). رونالد، محور عمده میان‌رشته‌ای را «تأکید بر اهمیت گرد هم آوردن دانش و مهارت‌های گوناگون برای حل یک مشکل» می‌داند. وی پژوهش میان‌رشته‌ای را زمینه‌ساز مناظره‌ای می‌داند که «با به چالش کشیدن هویت‌ها و ایده‌های پذیرفته‌شده پیشین، درکی جدید و انتقادی» به دست می‌دهد.

مطالعات میان‌رشته‌ای صرفاً به معنای احاطه بر چند رشته یا انجام مشترک کار توسط افرادی با تخصص‌های مختلف نیست؛ بلکه در آن از آموزه‌های رشته‌های مختلف برای بسط مدل‌های مفهومی، توضیح و مفهومی کردن نتایج، به کارگیری روش‌های یکدیگر و ایده گرفتن از دانش زمینه‌ای رشته‌های مختلف استفاده می‌شود (لینچ^۲، ۲۰۰۶: ۱۱۲۲-۱۱۱۹). این ویژگی را ربیکا^۳ در چارچوب «نظریه گفتگویی پیوندهای میان‌رشته‌ای» بیان کرده است. وی میان‌رشته‌ای را پیوندی می‌داند که توسط افرادی شکل می‌گیرد که تشابهات و تفاوت‌های موجود در محتواها، گزاره‌ها، ژانرها و راه‌های مختلف دانستن را تشخیص می‌دهند. منظور از محتوا، عناوین موضوعی است که در یک رشته بررسی می‌شوند. گزاره‌ها، دلایلی هستند که دانش پژوهان رشته‌های مختلف در جریان مباحثه با یکدیگر مطرح می‌کنند. ژانرها، الگوهای تعاملی هستند که به تدریج شکل گرفته و به دانش پژوهان رشته‌های مختلف در پیش‌بینی و درک ساختارهای تعاملی کمک می‌کنند. راه‌های دانستن، فعالیت‌های عقلانی هستند که دانش پژوهان رشته‌های مختلف برای تنظیم و دفاع از گزاره‌هایشان از آن استفاده می‌کنند. این منابع چهارگانه پیوند میان‌رشته‌ها، توانایی تشخیص و دسته‌بندی مناسب نقاط هم‌پوشانی، اشتراک‌ها و افتراق‌ها را توسعه می‌دهند

1. Klein Jullie Tampson
2. Lynch
3. Rebecca S.



(ریکا، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۴۳). ازاین رو است که میان رشتگی با پرورش تفکر انتقادی، نوآوری و خلاقیت به حل مسئله کمک می کند.

مطالعات میان رشته ای در پی پیچیده شدن فزاینده مسائل اجتماعی مورد توجه قرار گرفته اند. بنابراین، ایجاد رشته های جدید به خودی خود معنایی ندارد، بلکه با هدف حل مسائل پیچیده و چند بعدی صورت می گیرد (خورسندی، ۱۳۸۸: ۵۸). اینک نیاز به افرادی است که توانایی تفکر انتقادی و تحلیلی، مهارت در نگارش و بیان، قدرت قضاوت آگاهانه و دقیق و انجام کار گروهی، توانایی های معطوف به اجرای مؤثر و طبق برنامه پروژه ها، تفاوت فکر کردن، به کار گرفتن خلاقیت و شهامت در محیط کار، برخورداری از آگاهی و دانش لازم نسبت به فناوری های جدید، داشتن تجربه کاربردی و درک نظری از فناوری های دگرگون کننده کار و فرهنگ را داشته باشند (هوارد^۱، ۱۳۸۷: ۵۳۹). مطالعات میان رشته ای، پرورش این ویژگی ها را هدف گرفته اند. آنها موجب یادگیری رشته ها از یکدیگر، افزایش قابلیت تحلیلی، تفکر متدولوژیک، نقد مفروضات و نگرشی عمیق تر به مشکلات و مسائل جهان پیرامون می شود. این کارکردها تقریباً مورد اجماع پژوهشگران است. به عنوان نمونه، پژوهشی که در سال ۲۰۱۲ انجام شده است نشان می دهد:

۱. مطالعات میان رشته ای به افزایش درک، حفظ و کاربرد مفاهیم عمومی کمک می کند؛ ۲. همراه با توسعه چشم اندازها، دیدگاه ها و ارزش های چندگانه، درک کلی بهتری از وابستگی های متقابل جهانی به دست می دهد؛ ۳. توانایی تصمیم گیری، تفکر انتقادی و خلاقیت را افزایش می دهد و دانش ورای رشته ها را با هم ترکیب می کند؛ ۴. توانایی شناخت، ارزیابی و انتقال اطلاعات مهم مورد نیاز برای حل مسائل جدید را تقویت می کند؛ ۵. یادگیری مبتنی بر همکاری و تلقی بهتر از خود به عنوان عضوی با ارزش از اجتماع را ترویج می دهد؛ ۶. انگیزه ها را تقویت می کند (تنیسون^۲، ۲۰۱۲: ۱۵۹).

بنابراین، مطالعات میان رشته ای اینک به عنوان ابزاری برای بهتر اندیشیدن و بهتر تصمیم گرفتن برای حل مشکلات چه در مقیاس فردی و چه در مقیاس اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفته اند و با توجه به اهداف مورد نظر در توسعه این مطالعات انتظار می رود برای رشد و توسعه و بالندگی علوم انسانی و اجتماعی و کمک به حل مشکلات مبتلا به جامعه بیش از پیش مورد توجه سیاستگذاران علمی، دولتمردان و نیز اصحاب این علوم قرار گیرند.

1. Howard Alen

2. Tenyson Alfred

۲. روش پژوهش

در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختمند برای جمع‌آوری داده‌ها و از تحلیل محتوای کیفی برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها استفاده شده است.

الف. مصاحبه نیمه ساختمند: مصاحبه نیمه ساختمند بر پایه تعدادی پرسش که از پیش طرح شده یا دست‌کم موضوعاتی که مصاحبه‌کننده باید درباره آنها سوال کند، انجام می‌شود. تمام این پرسش‌ها به نوعی برای هریک از مصاحبه‌شوندگان به شکلی نظام‌مند مطرح می‌شود، اما مصاحبه‌گران می‌توانند فراتر از پرسش‌هایی که در اختیار دارند، بروند (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۲۸۹). در این پژوهش با در نظر گرفتن معیارهای زیر، ۱۷ صاحب‌نظر برای مصاحبه انتخاب شدند:

۱. داشتن دست‌کم یک اثر علمی معتبر در مورد تجزیه و تحلیل وضعیت علوم انسانی در کشور؛
۲. تنوع مصاحبه‌شوندگان از حیث داشتن تخصص در رشته‌های مختلف علوم انسانی؛
۳. تنوع مصاحبه‌شوندگان از نظر برخورداری از تحصیلات دانشگاهی و حوزوی؛
۴. برخورداری مصاحبه‌شوندگان از سطح دانش و تجربه علمی مناسب؛
۵. مقبولیت و خبرگی مصاحبه‌شونده در میان اصحاب آن رشته؛
۶. تنوع فکری و دانشگاهی (جریان‌های فکری مختلف و دانشگاه‌های متنوع اعم از دولتی و آزاد)؛
۷. برخورداری از تجربه عملی در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی علوم انسانی در کشور.

این مصاحبه‌ها در طول تابستان و پاییز ۱۳۹۱ انجام شد. سپس مضامین مندرج در متن مصاحبه‌ها، مقوله‌بندی و به صورت جدول‌های توزیع فراوانی بیان شد. سپس یافته‌های آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ب. تحلیل محتوای کیفی: تحلیل محتوا روشی است که برای رده‌بندی پاسخ‌های یک پرسش باز در پرسش‌نامه به کار می‌رود (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۲۷۹). تحلیل محتوا ابزاری است که کاربرد آن علاوه بر ایجاد شناخت و معرفت نسبت به یک موضوع، امکان تحلیل علی آن را فراهم می‌سازد، یعنی نه تنها به ارائه تصویر واقعیت در سطح می‌پردازد، بلکه در اعماق فرو می‌رود و علل و عوامل یک پدیده را مشخص می‌کند (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۲۸۱).

تحلیل محتوا به دو روش کمی و کیفی انجام می‌شود. تحلیل محتوای کمی شیوه‌ای سیستماتیک برای نسبت دادن اعداد به واحدهای متن است. مشکل عمده تحلیل محتوای کمی این است که نمی‌توان متن را در بافت و زمینه‌ای که در آن معنا می‌دهد، مورد مطالعه قرار





داد. تحلیل محتوای کیفی می‌کوشد ضمن حفظ تحلیل محتوای کمی، به بافت و زمینه هم توجه کند و از آن نیز اطلاعاتی به دست آورد. تحلیل محتوای کمی به روش قیاسی انجام می‌شود. در این روش ابتدا براساس نظریه و مفاهیم اصلی آن، مقوله‌هایی برای تجزیه متن ساخته شده و سپس متن براساس این مقوله‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود. مقوله‌ها در تحلیل محتوای کمی باید جامع، مانع و متناسب باشند، اما در تحلیل محتوای کیفی از هر دو روش استقرایی و قیاسی در ساختن مقوله‌ها استفاده می‌شود. گام نخست در تحلیل محتوای کیفی، ساختن مقوله‌ها به روش استقرایی است. پس از آنکه حداقلی از مقوله‌ها شکل گرفت، این مقوله‌ها می‌توانند به صورت قیاسی برای تحلیل بقیه متن مورد استفاده قرار گیرند. در واقع یک جریان رفت و برگشت بین مقوله‌های استقرایی و قیاسی وجود دارد. در روش تحلیل محتوای کیفی، مقوله‌ها از بررسی عمیق متن و یافتن شباهت‌های بین محتواها و کنار هم قرار دادن آنها و انتخاب نام واحدی برای آنها به دست می‌آیند (کوثری، ۱۳۹۳: ۱۹۷).

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و از هر دو روش استقرایی و قیاسی برای ساختن مقوله‌ها استفاده شده است. ابتدا با مراجعه به متن مصاحبه‌ها، مقوله‌ها به روش استقرایی استخراج شده و به روش قیاسی برای تحلیل بقیه متن مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۳. یافته‌های پژوهش

پاسخ‌های خبرگان به مصاحبه در پیوست مقاله ذکر شده است. این پاسخ‌ها به روش تحلیل محتوا مقوله‌بندی و از یکدیگر تفکیک شدند تا در مرحله بعد فراوانی هریک از این مقوله‌ها مشخص و نتایج استخراج شود.

۳-۱. فراوانی مقوله‌ها

جدول‌های شماره ۱ و ۲ فراوانی هریک از مقوله‌ها در میان موانع و عوامل توسعه علوم انسانی و اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقوله‌بندی موانع توسعه علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه خبرگان

ردیف	مقوله‌ها	فراوانی
۱	ضعف کاربرد علم	۱۸
۲	سیاست‌زدگی و عدم تأمین استقلال جامعه علمی	۱۶
۳	ضعف کیفی / علمی	۱۴
۴	نواقص دیوانی و تصمیم‌گیری	۱۳
۵	موانع فرهنگی	۱۲
۶	ماهیت علوم انسانی	۱۰
۷	بی‌توجهی به علوم انسانی	۹
۸	مشکلات کلان و ساختاری	۸
۹	نواقص درون دانشگاهی	۵
۱۰	ضعف تعامل بین‌المللی	۴
۱۱	ضعف نشر	۲
۱۲	ضعف بودجه	۱

جدول ۲. مقوله‌بندی عوامل توسعه علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه خبرگان

ردیف	مقوله‌ها	فراوانی
۱	تأمین فضای باز فکری و دانشگاهی	۲۱
۲	تقویت توانمندی علمی	۱۷
۳	کاربرد علوم انسانی	۱۵
۴	توجه به جایگاه علوم انسانی و تقویت انگیزه جامعه علمی	۱۴
۵	اصلاح سیاست‌های دولتی	۱۲
۶	تقویت شبکه‌ها و انجمن‌های علمی	۸
۷	فرهنگ اسلامی	۶
۸	ملاحظات فکری	۵
۹	همکاری‌های بین‌المللی	۴
۱۰	ارتقای فرهنگی	۳
۱۱	تقویت امکانات	۳
۱۲	توسعه میان‌رشته‌ای	۲
۱۳	همکاری حوزه و دانشگاه	۱
۱۴	تقویت نشر	۱
۱۵	تأمین بودجه	۱
۱۶	اصلاحات حوزوی	۱



فصلنامه علمی - پژوهشی

۹

نقش و جایگاه مطالعات
میان‌رشته‌ای در رشد و ...

۲-۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

فراوانی مقوله‌هایی که در تبیین عوامل رشد و توسعه علوم انسانی در کشور مورد اشاره خبرگان قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد در بین ۱۶ مقوله مورد اشاره خبرگان، پنج مقوله «تأمین فضای باز فکری در دانشگاه‌ها»، «تقویت توانمندی علمی»، «کاربرد علوم انسانی»، «توجه به جایگاه علوم انسانی و تقویت انگیزه جامعه علمی» و «اصلاح سیاست‌های دولتی» به ترتیب بیشترین فراوانی و پنج مقوله «توسعه میان رشته‌ای»، «همکاری حوزه و دانشگاه»، «تقویت نشر»، «تأمین بودجه» و «اصلاحات حوزوی» به ترتیب کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

در جدول موانع توسعه علوم انسانی و اجتماعی، دو مقوله «ضعف کاربرد علم» و «سیاست‌زدگی و عدم تأمین استقلال جامعه علمی»، بیشترین فراوانی و دو مقوله «تأمین بودجه» و «اصلاحات حوزوی» کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

نگاهی مقایسه‌ای به جدول‌های موانع و عوامل توسعه علوم انسانی در کشور ما را به نکته جالبی رهنمون می‌سازد و آن اینکه تقریباً همه مقوله‌هایی که از نظر خبرگان، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند، در جدول موانع و عوامل، مشابه یکدیگر هستند. به عنوان مثال، در جدول موانع توسعه علوم انسانی و اجتماعی «ضعف کاربرد علم» با ۲۸ فراوانی بیش از سایر مقوله‌ها مورد توجه و تأکید خبرگان بوده که این موضوع ترجمان «کاربرد بودن علوم انسانی» در جدول عوامل توسعه علوم انسانی است که با ۱۵ فراوانی در رده سوم عوامل قرار گرفته است یا مقوله «سیاست‌زدگی و عدم تأمین استقلال جامعه علمی» در جدول موانع، ترجمان «تأمین فضای باز فکری و دانشگاهی» در جدول عوامل است. با توجه به اینکه مصاحبه‌های این پژوهش طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۰ انجام شده است، می‌توان به این نکته پی برد که به دلیل فضای سیاسی حاکم بر کشور از سال ۱۳۸۸ به بعد و به ویژه حاکمیت فضای امنیتی بر دانشگاه‌های کشور که منجر به اخراج یا بازنشسته شدن تعدادی از اساتید دانشگاهی و محروم شدن تعدادی از دانشجویان از ادامه تحصیل شد، این مقوله مورد توجه جدی خبرگان قرار گرفته است. موارد فوق ناظر بر این نکته مهم است که در آسیب‌شناسی وضعیت علوم انسانی و اجتماعی و ارائه راهکار برای بهبود این وضعیت می‌بایست به این نکته توجه داشت که موانع و عوامل رشد و توسعه علوم انسانی و اجتماعی در کشور از یک سنخ‌اند و توجه به این نکته راه را برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هموارتر می‌کند.

قرار گرفتن مقوله «توسعه میان رشته‌ای‌ها» در رده‌های پایینی جدول نشان می‌دهد این عامل





فی نفسه نقش چندانی در رشد و توسعه علوم انسانی ندارد؛ بنابراین در سیاست‌گذاری‌های علمی کشور باید این موضوع را در ارتباط و پیوند با مقوله‌های اساسی‌تری همچون تأمین فضای باز فکری و علمی در دانشگاه‌ها، تقویت توانمندی استادان و دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی، استقلال جامعه علمی و پرهیز از دامن زدن به بازی‌های سیاسی در دانشگاه‌ها و شاید مهم‌تر از همه، کاربردی شدن علوم انسانی مورد توجه قرار داد.

از نظر خبرگان برای تولید و توسعه علوم انسانی و اجتماعی در کشور در درجه نخست باید محیط مناسبی برای رشد و پرورش ایده‌های نو و خلاق فراهم کرد. توسعه مطالعات میان رشته‌ای می‌تواند تفکر انتقادی و خلاقیت را در میان اصحاب علوم انسانی گسترش دهد، اما تحقق این امر مستلزم اعتماد به دانشگاهیان و اصحاب علوم انسانی، تأمین استقلال نسبی دانشگاه‌ها و پرهیز از برخوردهای امنیتی با صاحبان اندیشه‌های نو است.

پس از تأمین فضای مبتنی بر استقلال و اعتماد، باید گام دوم برداشته شود و آن عبارت است از تقویت توانمندی‌های علمی اساتید و دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی کشور. توسعه میان رشته‌ای‌ها باعث یادگیری رشته‌ها از یکدیگر، افزایش قابلیت تحلیلی، تفکر متدولوژیک، نقد مفروضات و نگرشی عمیق‌تر به مشکلات و مسائل جهان پیرامون می‌شود. مطالعات میان رشته‌ای این امکان را برای دانش پژوهان رشته‌های علمی مختلف فراهم می‌کند که شناخت بهتری از فعالیت‌های علمی یکدیگر به دست آورند. آنها هر کدام از موضع و فرضیات خاص خود که از مشروعیت لازم در چارچوب آن رشته برخوردار است با موضوع برخورد می‌کنند و بحث و تبادل نظر میان آنها و به چالش کشیدن فرضیات هر کدام، آنها را به سوی درکی جدید از موضوع هدایت می‌کند. اگر توسعه میان رشته‌ای‌ها در عمل بتواند این مهم را محقق کند، می‌تواند نقش مثبت و مؤثری در رشد علوم انسانی در کشور ایفا کند.

پس از تقویت توانمندی‌های علمی باید برای ایجاد پیوند بین نیازهای جامعه و تولیدات علمی در قالبی هوشمندانه تلاش شود. همان‌گونه که در بخش مبانی نظری و مفهومی ذکر شد، یکی از اهداف مهم و اساسی مطالعات میان رشته‌ای، تجزیه و تحلیل و ارائه راهکار برای حل مسائلی است که یک رشته به تنهایی قادر به شناخت آن نیست. به عبارت دیگر، میان رشته‌ای‌ها داعیه جامع‌نگری و حل مسائل و مشکلاتی را دارند که شاخه‌های مختلف علمی قادر به حل آنها نیستند. با توجه به اینکه از نظر خبرگان، کاربردی نبودن علوم انسانی و اجتماعی مهم‌ترین مانع رشد این علوم در کشور است، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که تا زمانی که توسعه



میان رشته‌ای‌ها معطوف به نیازهای جامعه و مشکلات مردم و حکومت نشود، نمی‌توان انتظار داشت دانش علوم انسانی و اجتماعی در کشور رشد کند.

از نظر خبرگان، ماهیت علوم انسانی با علوم دقیقه متفاوت است و برای رشد و توسعه این علوم، ایجاد فضای مناسب برای آزاداندیشی و نقادی ضرورت دارد، زیرا باز و بسته بودن فضای سیاسی تأثیر بسزایی بر رشد و توسعه علوم انسانی و اجتماعی در کشور دارد. لذا تا زمانی که میان رشته‌ای بودن، مسئولیت اجتماعی را اقتضاء می‌کند و مسئولیت اجتماعی خود پیامد آزادی و انتخاب آزاد شهروندان است (بحرانی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱). فضای امنیتی از دانشگاه‌ها رخت برنبد و محیط مناسب و امنی برای تضارب آرا و اندیشه‌ها فراهم نشود، توسعه مطالعات میان رشته‌ای نمی‌تواند نقش چشمگیری در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور داشته باشد.

نتیجه‌گیری

تولید علم یکی از شالوده‌های اساسی توسعه و پیشرفت جوامع است و در میان تمام علوم، علوم انسانی رابطه وثیق تری با مفهوم توسعه و پیشرفت دارد؛ زیرا مبانی فکری و چارچوب‌های نظری توسعه‌یافتگی بر آن استوار می‌شود؛ به همین دلیل در دو دهه اخیر توجه به علوم انسانی در سیاست‌های علمی کشور اهمیت مضاعفی یافته است. با وجود این و به‌رغم موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی در ارتقای شاخص‌های علمی کشور در این سال‌ها، گزارش‌های موجود نشان می‌دهند، وضعیت تولید علم در حوزه علوم انسانی و اجتماعی چندان رضایت‌بخش نیست. گرچه یکی از ابزارهایی که در رشد و توسعه تمامی علوم، به‌ویژه علوم انسانی می‌تواند نقش داشته باشد، توسعه مطالعات میان رشته‌ای است، اما نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که از نظر خبرگان، مقوله «توسعه میان رشته‌ای‌ها» به‌خودی‌خود نقش چندان مؤثری در رشد و توسعه این علوم در ایران ندارد و کارآمدی این ابزار، نیازمند تأمین شرایط مهم‌تری همچون تأمین فضای باز فکری در دانشگاه‌ها و استقلال جامعه علمی است. همچنین توسعه میان رشته‌ای‌ها در صورتی می‌تواند در رشد و توسعه علوم انسانی و اجتماعی مؤثر واقع شود که به افزایش هم‌افزایی علمی صاحب‌نظران رشته‌های مرتبط در حوزه علوم انسانی و نیز ارتقای توانمندی علمی استادان، دانشجویان و پژوهشگران و کاربردی‌تر شدن علوم انسانی در کشور منجر شود.

پی‌نوشت:

مصاحبه‌های انجام شده از: دکتر مهدی گلشنی، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر رضا منصوری، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر امین قانع‌راد، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر حسینعلی قبادی، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر ناصر هادیان، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر حسن دانایی‌فرد، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر غلامرضا ذاکر صالحی، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر مقصود فراستخواه، پاییز ۱۳۹۱؛ حجت الاسلام دکتر احمد احمدی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر عماد افروغ، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر محمد مهدی مجاهدی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر فرشاد مؤمنی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر محمدرضا بهشتی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر محمود مهرمحمدی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر جعفر توفیقی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر خسرو باقری، پاییز ۱۳۹۱.





بحرانی، مرتضی (۱۳۹۰). میان رشته‌ای به مثابه مسئولیت: نگاهی هنجاری. مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، (۱)۳، ۱-۲۰.

پایا، علی (۱۳۸۳). موانع رشد علوم انسانی در ایران. سخنرانی در: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، برگرفته از: www.yaznahad.ir

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰). مجموعه مقالات همایش تحول در علوم انسانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

خامنه‌ای، آیت الله سید علی (۱۳۸۵). سخنرانی در دیدار اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ماهنامه پژوهشگران، ۴، ۱۰ و ۱۱.

خبرگزاری ایسنا (۲۲ تیر ۱۳۸۲). سرویس علمی و فناوری - پژوهشی، گزارش علوم انسانی تنها حدود دو درصد تولیدات علمی دو دهه اخیر را به خود اختصاص داده است. تهران.

خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸). تنوع گونه شناختی در آموزش و پژوهش میان رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، (۴)۱، ۵۷-۸۳.

داوری، رضا (۱۳۸۹). علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه. تهران: نشر فردایی دیگر.

ذاکری صالحی، غلامرضا (۱۳۸۹). وضعیت تولید و انتشار کتاب‌های علوم اجتماعی در ایران براساس الگوهای علم سنجی. مجله جامعه‌شناسی ایران، (۳)۱۱، ۷۷-۵۶.

ریه‌کا، اس. (۱۳۸۷). نظریه گفتگویی پیوند میان رشته‌ای (مترجم: سید محسن علوی پور). در: مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای (تدوین و ترجمه سید محسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۱). موانع رشد علمی ایران و راه حل‌های آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.

رولاند، اس. (۱۳۸۷). میان رشتگی (مترجم: مجید کرمی). در: مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای (تدوین و ترجمه سید محسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی.

ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (چاپ هفدهم). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سید امامی، کاوس (۱۳۸۶). پژوهش در علوم سیاسی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند نقشه جامع علمی کشور.



فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۴). کدام معیار؟ بررسی انسان‌شناختی در زمینه تولید علم و چالش‌های علوم انسانی در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، ۳۰، ۴۴-۱.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). دانشگاه و آموزش عالی، منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی. تهران: نشرنی. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). دیاسپورای علمی ایرانی و نقش آن در بومی‌سازی علوم اجتماعی در ایران. دز: علم بومی، علم جهانی، امکان یا امتناع؟، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم.

قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

کلاین، جولی تامپسون (۱۳۸۷). میان‌رشته‌گی و ترکیب رشته‌ها (مترجم: محسن بیات). دز: مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای (تدوین و ترجمه سیدمحسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی.

کوثری، مسعود (۱۳۹۳). روش کیفی. دز: مجموعه مقالات رهیافت و روش در علوم سیاسی (به اهتمام عباس منوچهری). تهران: انتشارات سمت.

لاتوکا، لیسآر. (۱۳۸۷). آموختن کار میان‌رشته‌ای (مترجم: سیدمحسن علوی پور). دز: چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای (تدوین و ترجمه: سیدمحسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۸/۸/۲۲). گزارش بررسی وضعیت علوم انسانی ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی، برگرفته از: www.re.majlis.ir.

مورن، ادگار (۱۳۸۷). پیرامون میان‌رشته‌گی (مترجم: توحیده ملاباشی). دز: مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای (تدوین و ترجمه سیدمحسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی.

هوارد، آلن ب. (۱۳۸۷). مطالعات میان‌رشته‌ای و فناوری‌های جدید: مطالعه موردی (مترجم: مهناز شاه‌علیزاده). در چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای (تدوین و ترجمه سیدمحسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

Lynch, J. (2006). It's not easy being interdisciplinary. *International Journal of Epidemiology*, 35, 1119-1122.

Tennyson, A. (2012). Interdisciplinary learning and interdisciplinary curriculum. In: Jim parson and Larry beauchamp, *From knowledge to action*, Alberta Education. Alberta, Canada.

پیوست ۱. عوامل رشد علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه خبرگان

ذخیره فرهنگی تاریخی ایران نسبت به سایر کشورها و پتانسیل رقابت با غرب، تفکر عقلی شیعی در ایران، آشنایی حوزویان با علوم انسانی و استادان علوم انسانی با اندیشه اسلامی، تأکید اسناد بالادستی کشور بر پیشرفت علوم انسانی	آیت الهی
روشن بودن نقش علوم انسانی در ارتقاء جامعه، ورود داوطلبان برتر به حوزه های علوم انسانی، به کارگیری علوم انسانی در حل مسائل کشور، کمک گرفتن از اصحاب علوم انسانی در حوزه های مرتبط علمی دیگر، روشن بودن نقش علوم انسانی در فرهنگ سازی.	گلشنی
فضای آزاد فکری و اندیشه ای، توسعه فرهنگ، رشد تفکر انتقادی، برخورد اندیشه ای با نظریه های غربی، توسعه رشته ها و میان رشته ای های علوم انسانی در دانشگاه ها، همکاری بیشتر حوزه و دانشگاه، ترویج نواندیشی در حوزه های علمیه، جلوگیری از برخوردهای امنیتی با کثرت و تنوع اندیشه ها در علوم انسانی، توسعه همکاری ها و همفکری های بین المللی در زمینه علوم انسانی، کندوکاو بیشتر و عمیق تر در ریشه های اسلامی علوم انسانی، احترام به همفکری و هم اندیشی و مشورت، استفاده از همه ظرفیت های فکری، استفاده از تجربه های جهانی، ارتقای جایگاه شغلی متخصصان علوم انسانی، هدایت استعداد های تحصیلی برتر به سمت رشته های علوم انسانی دانشگاهی و حوزوی، وسعت بخشی به حوزه تفکر و اندیشه در علوم انسانی، حذف برخوردهای امنیتی و حراستی از فضای تفکر و نواندیشی، حمایت از فضای بحث، گفتگو و آزادی بیان، تضارب افکار و عقاید، پرهیز از سیاست های انقباضی و تنگ نظری در حوزه تفکر و نواندیشی و اتخاذ تدابیر انبساطی و وسعت نظر، کاهش مداخله دولت در امور تصدی گری و اکتفا به سیاست گذاری کلان و سیاست های حمایتی و تشویقی، توسعه زیر ساخت های پژوهشی در حوزه علوم انسانی، برقراری ارتباط بیشتر بین علوم انسانی و سایر علوم، هماهنگی بین نهادهای درگیر در سیاست گذاری و برنامه ریزی علوم انسانی، استفاده از انجمن های علمی در توسعه علوم انسانی، آینده نگری در توسعه علوم انسانی، ایجاد قطب های علمی در صیانت از استعدادهای درخشان علوم انسانی، ارتقای منزلت اجتماعی نخبگان علوم انسانی، حمایت های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نام آوران علوم انسانی، زمینه سازی برای اشتغال دانش آموختگان علوم انسانی، تقویت ارتباط علوم انسانی و صنعت، هدایت تحصیلی استعدادهای درخشان به سمت رشته های علوم انسانی، تقویت روح بررسی، تحقیق و ابتکار در علوم انسانی، حمایت مادی و معنوی از پژوهشگران و نظریه پردازان علوم انسانی، شکل گیری کانون های تفکر و اندیشه، به کارگیری دستاوردهای علوم انسانی در سطح سیاست گذاری، برنامه ریزی، تصمیم سازی و تصمیم گیری، توسعه کمی و کیفی دوره های تحصیلات تکمیلی در علوم انسانی، تربیت اعضای هیئت علمی با کیفیت بالا در حوزه علوم انسانی، افزایش بودجه های تحقیق و توسعه در حوزه علوم انسانی، افزایش سهم تولیدات علوم انسانی در تولیدات علوم انسانی، افزایش انتشار مجله های علمی و کتاب، افزایش سهم تولیدات علوم انسانی در تولیدات علمی جهان، ترویج نظریه پردازی و کرسی های نقد و آزاد اندیشی در علوم انسانی، تقویت انجمن های علمی دانشجویی در زمینه علوم انسانی، حمایت از توسعه مبادله و همکاری های بین المللی در علوم انسانی، حمایت از تجاری سازی دستاوردهای علوم انسانی، حمایت از کارآفرینی دانش آموختگان علوم انسانی، تحول رشته های علوم انسانی در تعامل فعال با نیازهای بازار کار، تقویت اجتماعات علمی در علوم انسانی، توسعه تعامل در شبکه های علمی مبتنی بر هم افزایی، تقویت تفکر انتقادی و توان نظریه پردازی دانشجویان، ارتقای جایگاه علوم انسانی در نظام فرهنگی و ارزشی جامعه، تأمین استقلال نهادها و افراد تولیدکننده علوم انسانی.	توفیقی
اجتهاد نظری و عملی جامع و هماهنگ در مبانی و مسائل علوم انسانی و رسیدن به وحدت نظری.	احمدی



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۶

دوره هفتم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۴



مؤمنی	فضای سیاسی نسبتاً آزاد، وجود تقاضا برای دستاوردهای علمی، وجود اعتماد میان بازیگران جامعه علمی، نظام کارآمد و بهنگام آمار و اطلاعات.
ذاکر صالحی	شکل‌گیری اجتماع علمی / شبکه‌های علمی، نظام انگیزش و پاداش مناسب، آزادی علمی، نقد و امنیت شغلی، گره خوردن علوم انسانی با فرهنگ، اقتصاد و سیاست، تعامل همه بازیگران و کنشگران اعم از استادان، بنگاه‌ها، دولت و...، رشد زیست‌بوم علم در کشور، آبخشور قوی فرهنگ اسلامی ایرانی به‌ویژه حکمت متعالیه.
دانایی فرد	پیوند بین کارگزاران و اندیشه‌ورزان، حرمت حریم علم و عالم از پلشتی‌های سیاست‌بازی، ارتقای روش‌شناسی‌های پژوهشی، تغییر جهت محتوایی و شکلی رساله‌ها، ارتقای کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها.
قانع‌راد	آموزش کیفی به دانشجویان، برخورداری از مشروعیت فرهنگی، ارتباط سازنده و تعاملی با دولت، تولید نظریه، مفهوم و دانش کیفی.
هادیان	استفاده از استادان برجسته برای تربیت نیروهای دارای ظرفیت لازم برای یادگیری، کاربردی کردن علوم انسانی، تمرکز در دوره‌های تحصیلات تکمیلی بر توانایی تحلیلی و نقادی، کاهش تأثیرگذاری نیروهای خارج از دانشگاه.
قبادی	خودآگاهی و اهتمام همه‌جانبه اصحاب علوم انسانی در بیان کارکرد این علوم و اثبات عملی آن، نهادسازی اصحاب علوم انسانی در بیان کارکرد این علوم و اثبات عملی آن، تلاش برای وضع قوانین و مقررات حامی علوم انسانی، انباشت تحلیل‌ها و اندوخته‌های علمی در این زمینه، کوشش مستمر، هدفمند و برنامه‌ریزی شده برای خروج از سیطره اتهامات مهندسی‌زدگی، اصلاح سیاست‌های کلان کشور، واگذاری مسئولیت‌ها و اختیارات به حوزه علوم انسانی، گسترش کرسی‌های نظریه‌پردازی، تأمین امنیت فکری و روانی نظریه‌پردازان علوم انسانی.
منصوری	تقویت زیرساخت‌ها از جمله دایره‌المعارف نویسی.
افروغ	تنقیح و روشن شدن تعریف ما از علم به‌ویژه علم انسانی، طرح جدی مباحث هستی‌شناسی علمی، بعد مباحث تاریخی و اجتماعی و سپس سیاست‌گذاری علمی، نظر بیشتر به مباحث معرفت‌شناسی، توجه به تفکر ناثنویت‌گرایی صدرایی الهام‌گرفته از قرآن و رویکرد منظومه‌ای آن، تحول ساختاری و تغییر رابطه‌ها، آزادی و استقلال عمل دانشگاه‌ها درباره نیازسنجی رشته‌ها، قدرت رقابت و قدرت‌گزینش استاد و دانشجو، لزوم نظارت دولتی، نظام پاداش‌دهی برای محتوا نه برای فرم.
فراستخواه	استقلال دانشگاهی، آزادی علمی، وجود فرهنگ علمی به‌معنای حاشیه‌ای و تجملی نبودن علم در جامعه، مرجعیت علمی، یعنی علم مبنای اداره کشور باشد، حمایت دولت از بخش‌های غیردولتی، عدم انحصار کارهای علمی توسط دولت، تعاملات بین‌المللی.
باقری	وجود عزم و جرئت برای گشودن افق‌های اندیشه در عرصه علوم انسانی.
مجاهدی	رعایت اصول و آداب نقادانه و پرهیز از توجیه‌گرایی، رفع سوءفهم‌ها و سوءتفاهم‌ها از دانشگاه، اصلاح (نگرش) نظام سیاسی به دانش و فناوری و دانشگاه و دانشکده‌های علوم انسانی.

آیت‌اللهی	کندی و لختی فعالیت علمی بدنه اصلی علوم انسانی، فقر جلدی در نیازشناسی علوم انسانی، فقدان رابطه مناسب بین نیازها و تحقیقات و آموزش‌های علوم انسانی، ضعف خودباوری، محدود بودن تعامل فعال با غرب، عدم تناسب بین ارزش‌های اسلامی و علوم انسانی، توزیع و نشر نامناسب، ضعف شدید توزیع اندیشه‌های ایرانی - اسلامی.
گلشنی	روشن نبودن اهمیت علوم انسانی در جامعه، تصمیم‌گیری برای علوم انسانی توسط مراجع ناوارد به این علوم، به‌کار نگرفتن اصحاب علوم انسانی در مواضع حساس و مشورت‌ها، کمتر بودن بازار کار برای فارغ‌التحصیلان علوم انسانی، تخصص‌گرایی افراطی و یک‌بعدی بودن فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، مغفول بودن جایگاه علوم انسانی در کشور، اولویت جبران عقب‌ماندگی علمی فنی، پایین بودن متوسط سطح داوطلبان علوم انسانی به دلیل جو کاذب علمی، تحت الشعاع قرار گرفتن علوم انسانی به دلیل تفکر سکولار (حل همه مسائل با علوم طبیعی و مهندسی).
توفیقی	فاصله علوم انسانی موجود با استقلال نظری و فکری، کافی نبودن میزان مسئله‌محوری علوم انسانی در کشور و غلبه وجه نظری، سردرگمی علوم انسانی در مشخص کردن نسبت خود با مبانی اسلامی - ایرانی، فضای تک‌صدایی و فرداندیشی، برخورد حذفی با اندیشه‌های غربی، بی‌توجهی جامعه به تخصصی بودن علوم انسانی، ضعف در عملیاتی کردن نظریه‌های علوم انسانی در کشور.
مؤمنی	دوگانگی ساختاری تولید علم ناشی از ساختاررانتی و توسعه‌نیافته اقتصاد سیاسی ایران، فقدان تقاضا برای یافته‌های علوم انسانی در نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، فقدان زیرساخت‌ها مانند نظام آمار و اطلاعات قابل اعتماد و بهنگام و فقدان آمادگی برای اصلاح و بهبود آن در نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع.
احمدی	نبودن اتفاق نظر در مورد مبانی نظری علوم انسانی.
ذاکر صالحی	سیاست‌زدگی و روزمرگی و نگاه ابزاری به علم، عدم کاربست یافته‌های علمی، فعال شدن جریان‌های علم‌گریز و علم‌ستیز، استبداد ساختاری، ایستارهای شناختی ضد توسعه مانند فالتالیسم و تقدیرگرایی، زهد منفی و...، بومی نشدن علوم انسانی، عدم مسئله‌محوری و کاربردی بودن علوم انسانی، عدم حرکت علوم انسانی به سمت میان‌رشته‌ای شدن، انتظارات متعارض و ناهمگون از علوم انسانی.
دانایی فرد	فقدان استادان برجسته در حوزه دکتری، غیرپرستی افراطی و دشمنی‌ورزی با دانش غیر، تخطئه علوم دیگر کشورها، ذبح آموزش توسط پژوهش.
قانع‌ی راد	جوان بودن برخی از رشته‌های علوم انسانی در کشور، دخالت گسترده و سنسجیده بخش دولتی، کاهش پیوند علوم انسانی با دانش جهانی، بدبینی فرهنگی نسبت به علوم انسانی، کاربرد شاخص‌های علوم طبیعی و مهندسی، عدم تعامل علوم انسانی با بخش سیاست‌گذاری، عدم رعایت استقلال دانشگاه‌ها و آزادی‌های علمی برای پژوهشگران، کاهش مشروعیت و حمایت از توسعه علوم انسانی، افزایش تعداد دانشجویان در رده‌های تحصیلات تکمیلی و فقدان استادان باتجربه و باصلاحیت برای تدریس در دوره تحصیلات تکمیلی، کاهش سطح کیفیت دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی، نامشخص بودن حد و مرز آموزش‌های نظری، رشته‌ای و کیفی با آموزش‌های حرفه‌ای و کاربردی و انتقال ترکیب سازمان نیافته غیرهدف‌مندی از این دو به دانشجویان.
هادیان	فقدان فهم مطلوب از علوم انسانی، کاربردی نبودن و ارتباط نداشتن با نیازهای جامعه، ایرادهای اساسی تدریس در دوره لیسانس و به‌ویژه تحصیلات تکمیلی، وجود نیروهای خارج از دانشگاه که خود را ذی حق و دارای صلاحیت برای دخالت در علوم انسانی می‌بینند، ضعف اساسی در انجام پژوهش.





قبادی	متهم کردن علوم انسانی به عنوان دانشی تجربی، بی‌باوری نسبت به کارآمدی علوم انسانی در حل مشکلات اجتماعی، کم‌آگاهی عمومی نسبت به ماهیت دانش علوم انسانی، کم‌آگاهی و عدم تفکیک میان فنون علوم انسانی با مفاهیم نظری آن، پایین بودن سطح اعتبارات حوزه علوم انسانی و حاکمیت مهندسی و علوم تجربی.
منصوری	تبدیل نشدن علوم انسانی به یک حرکت علمی.
افروغ	قرار گرفتن علوم انسانی تحت الشعاع علم ابزار (علوم دقیقه، فنی، مهندسی و پزشکی) و نداشتن جایگاه درخور به عنوان علم هدف، بی‌توجهی به مبادی متافیزیکال و نسبت علم با فرهنگ و تاریخ و جامعه، نگاه به علوم انسانی از زاویه فن‌زدگی و ابزارزدگی حاکم بر رشته‌های علمی، فنی، مهندسی و پزشکی به دلیل ذهنیت تکنیک‌زده حاکم بر سیاست‌های آموزش عالی به طور خواسته یا ناخواسته و مستقیم یا غیرمستقیم، فضای روانی سنگین، بازتولید وضعیت نامناسب علوم انسانی به رغم میل به دگرگونی به دلیل بی‌توجهی به ظرایف و دقایق مرتبط با علوم انسانی، فقدان جایگاه درخور علوم انسانی، نه به لحاظ نرم‌افزاری و نه به لحاظ بسترهایی که می‌تواند باعث رشد علوم انسانی و بومی شود و بی‌توجهی به ایجاد بسترهای لازم، نگرش پوزیتیویستی جامعه‌شناسان علم دارای نفوذ در وزارت علوم و نداشتن درک عمیقی از مباحث فلسفی علم که موجب بی‌ارتباطی علم با نیازهای جامعه می‌شود، عدم رعایت موازین اخلاقی در نظام آموزش عالی، غلبه ابزارگرایی‌ها به جای توجه به اخلاق‌گرایی، معنویت، محتوا، هستی و جوهره معنایی، غلبه قالب‌ها در تمامی علوم، سیاسی و فرمالیته شدن فضا و توجه به مسائل نامربوط به انقلاب، قبیله‌گرایی و تبارگماری حاکم در آموزش عالی و وزارت افراد ناآشنا با این ظرایف، غلبه تمدن‌گرایی صوری و کاذب به قیمت فرصت‌سازی برای غارت بیت‌المال در کشور به نام فرهنگ و فرهنگ‌گرایی که دغدغه‌های اخلاقی را تحت الشعاع قرار می‌دهد، مانور شخصی برخی از افراد زیر پسته جمهوری اسلامی معتمد مردم، بی‌توجهی به آزادی، فرهنگ و روشنفکری، علمی نبودن شاخص‌ها و اهمیت منافع شخصی در آن همراه با القائنات سطح کلان سیاسی، فقدان جایگاه افراد متفکر سیستماتیک و کلان‌نگر در کشور، تقلیل نگرش تغییر به جابجایی افراد، آلودگی نظام پاداش‌های ما در آموزش عالی.
فراستخواه	نامطلوب بودن وضعیت تولید علم در بخش علوم انسانی نسبت به سایر رشته‌ها، ناکارآمد بودن تحقیقات علوم انسانی کشور برای رفع نیازهای جامعه، عدم بهره‌برداری مؤثر از تحقیقات انجام‌شده، ضعف ابداع، نوآوری، خلاقیت و... در داده‌ها، فقدان جایگاه مناسب دانش تولیدشده در مجموعه دانش جهانی، ضعف بخش غیردولتی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی و عدم حمایت دولت از آن، انحصار و مداخله‌جویی دولت، ضعف همکاری‌های علمی بین‌المللی، مداخله‌های سیاسی در علم، هژمونیک شدن یک ایدئولوژی در علوم انسانی و اجتماعی، انزوای سیاسی جامعه در عرصه بین‌المللی و تنش‌های بین‌المللی، خودسانسوری، مهاجرت مغزها.
باقری	سیاسی کردن بحث علوم انسانی، درک نادرست از رابطه دین با علوم انسانی، عدم امکان آزاداندیشی در دانشگاه، صورت‌گرایی و کمی‌نگری در پژوهش، انفعال در برابر نظریه‌های رایج.
مجاهدی	ایدئولوژی‌زدگی، نوع انتظارات و تعریف ما از نهاد دانشگاه به ویژه دانشکده‌های علوم انسانی و نقش آنها، نگرش امنیتی و انتظامی به دانشگاه، تکنولوژی‌اندیشی درباره نحوه رشد علوم انسانی، فراهم نبودن امکان نقادی، نسبی‌اندیشی، خاص‌گرایی، فقدان رویکرد حل مسئله‌ای در مدیریت کلان و خرده‌نهادهای علمی.

The Role and Status of Interdisciplinary Studies in the Development of the Humanities in Iran

Aliasghar Ghasemi¹, Razieh Emami Meibodi²

Received: Oct. 10, 2015; Accepted: Nov. 30, 2015

Abstract

Interdisciplinary studies can play a pivotal role in the growth and development of sciences, especially the humanities. In the present article, through semi-structured interviews with some experts and thinkers in Iran and the content analysis of their ideas, attempt is made to answer these questions: in the view of experts, what are the main obstacles to the development of humanities in Iran? And what role can interdisciplinary studies play in the development of humanities? The results of the study show that according to experts, “interdisciplinary development”, having the twelfth place among the sixteen important factors in the development of humanities, does not have a considerable effect on the development of humanities in Iran per se, and its efficacy depends on the existence of more important conditions, such as the provision of an open intellectual climate at universities and the independence of scientific community. The development of interdisciplinary studies can play a part in the development of humanities in Iran, only if it results in scientific synergy among experts in different disciplines of humanities, improves the scientific ability of professors, students and researchers, and makes humanities more applicable in society.

Keywords: Iran, humanities, interdisciplinary studies, experts.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

1

Vol.7

No.4

Autumn 2015

1. Assistant Professor of Political Science, Kharazmi University (Corresponding Author).

ghasemi_aliasghar@yahoo.com

2. Ph.D in Public Policy-Making, University of Tehran. emamirazie@alumni.ut.ac.ir



Bibliography

- A group of authors. (1390/2011). *Majmu'eh maqālāt dar hamāyeš-e tahavol dar 'olum-e ensāni*. Tehran: Enteshārāt-e Dānešgāh-e Tehran.
- Bahrani, M. (1390/2011). *Miyān rešteḥ-i be masābe-ye mas'uliyat: Negāh-e Hanjāri. Motāle'āt-e Miyān Rešteḥ-i dar Olum-e Ensāni*, 3(1), 1-20.
- Dāvāri, R. (1389/2010). *'Olum-e ensāni va barnāmeḥ rizi-e tuse'eh*. Tehran: Našr-e Fardāyi Digar.
- Fakuhi, N. (1389/2010). *Diyāspurā-ye 'elmi-e Irāni va naqš-e ān dar bumi sāzi-e 'olum-e ejtemā'i dar Irān. In 'elm-e bumi, 'elm-e jahāni, emkān yā emtenā'?*. Tehran: Jahād-e Dānešgāhi-e Tarbiyat-e Mo'alem.
- Farāsātakh, M. (1389/2010). *Dānešgah va āmuzeš-e āli, manzar hā-ye jahāni va mas'aleh hā-ye Irāni*. Tehran: Našr-e Ney.
- Fazeli, N. (1384/2005). *Kodām me'yār? Barresi-i ensān šenāxti dar zamīneh-ye tulid-e 'elm va čāleš hā-ye 'olum-e ensāni dar Irān. 'Olum-e ejtemā'i*, 30, 1-44.
- Haword, A. (1387/2008). *Motāle'āt-e miyān rešteḥ-i va fanāvai hā-ye jadid: Motāle'eh-ye muredi*. (translated by: Šāh 'Alizādeh, M.). in *čāleš hā va čašm andāz hā-ye motāle'āt-e miyān rešteḥ-i*. compiled & translated by: 'Alavi Pur, S. M., et al. Tehran: Pažuheškadeh-ye Motāle'āt-e Farhangi va Ejtemā'i.
- Isnā (Servis-e 'elmi va fanāvāri- pažuheši). (1382/2003). (7-13-2003). *Gozāreš-e 'olum-e ensāni tanhā hodud-e du darsad-e (2%) tulidāt-e 'elmi-e du daheh-ye axir rā beh xud extesās dādeh ast*. Tehran.
- Klein, J. Th. (1387/2008). *Miyān rešteḥ-gi va tarkib-e rešteḥ hā*. (translated by: Bayāt, M.). in *Mabāni-e nazari va raveš šenāsi-e motāle'āt-e miyān rešteḥ-i*. (compiled & translated by: 'Alavi Pur, S. M., et al. Tehran: Pažuheškadeh-ye Motāle'āt-e Farhangi va Ejtemā'i
- Kusari, M. (1393/2014). *Raveš-e keyfi. In majmu'eh maqālāt-e rahyāft va raveš dar 'olum-e siyāsi*. (edited by: Manučehri, 'A.). Tehran: Enteshārāt-e Samt.
- Lattuca, L. R. (1387/2008). *Āmuxtān-e kār-e miyān rešteḥ-i* (translated by: 'Alavi Pur, S. M.). in *čāleš hā va čašm andāz hā-ye motāle'āt-e miyān rešteḥ-i*. compiled & translated by: 'Alavi Pur, S. M., et al. Tehran: Pažuheškadeh-ye Motāle'āt-e Farhangi va Ejtemā'i.
- Lynch, J. (2006). It's not easy being interdisciplinary. *International Journal of Epidemiology*, 35, 1119–1122.
- Majmu'eh maqālāt-e kongereh-ye meli-e 'olum-e ensāni*. (1385/2006). Tehran: Enteshārāt-e Pažuhešgāh-e 'Olum-e Ensāni va Motāle'āt-e Farhangi.

- Morin, E. (1387/2008). Pirāmun-e miyān rešteḥ-gi (translated by: Molābāši, T.). in Mabāni-e nazari va raveš šenāsi-e motāle'āt-e miyān rešteḥ-i. compiled & translated by: 'Alavi Pur, S. M., et al. Tehran: Pažuheškadeh-ye Motāle'āt-e Farhangi va Ejtemā'i.
- Nowacek .R. S. (1387/2008). Nazariyeh-ye goftoguyi-e peyvand-e miyān rešteḥ-i (translated by: 'Alavi Pur, S. M.). in *Mabāni-e nazari va raveš šenāsi-e motāle'āt-e miyān rešteḥ-i*. (compiled & translated by: 'Alavi Pur, S. M., et al). Tehran: Pažuheškadeh-ye Motāle'āt-e Farhangi va Ejtemā'i.
- Pāyā, 'A. (1383/2004). *Mavāne'-e rošd-e 'olum-e ensāni dar Irān*. (Lecture in Mu'aseseh-ye Pažuheš va Barnāmeḥ rizi-e Āmuzeš-e 'Āli). Retrieved from: yaznihad.ir
- Qāne'i Rād, M. A. (1384/2005). *Jāme'eh šenāsi-e rošd va oful-e 'elm dar Irān*. Tehran: Markaz-e Tahqiqāt-e Siyāsat-e 'Elmi-e Kešvar.
- Rafi' Pur, F. (1381/2002). *Mavāne'-e rošd-e 'elmi Irān va rāh-e hal hā-ye ān*. Tehran: Šerkat-e Sahāmi-e Entešār.
- Rowland, S. (1387/2008). Miyān rešteḥ-gi (translated by: Karami, M.). in Mabāni-e nazari va raveš šenāsi-e motāle'āt-e miyān rešteḥ-i. compiled & translated by: 'Alavi Pur, S. M., et al. Tehran: Pažuheškadeh-ye Motāle'āt-e Farhangi va Ejtemā'i.
- Sāruxāni, B. (1392/2013). *Raveš hā-ye tahqiq dar 'olum-e ejtemā'i* (17th ed.). Tehran: Entešārāt-e Pažuhešgāh-e 'Olum-e Ensāni va Motāle'āt-e Farhangi.
- Seyed Emāmi, K. (1386/2007). *Pažuheš dar 'olum-e siyāsi*. Tehran: Pažuheškadeh-ye Motāle'āt-e Farhangi va Ejtemā'i va Entešārāt-e Dānešgah-e Emām Sādeq.
- Tennyson, A. (2012). Interdisciplinary learning and interdisciplinary curriculum In Jim parson and Larry beauchamp, *From knowledge to action, Alberta education*. Alberta, Canada.
- Xursandi Tāskuh, 'A. (1388/2009). Tanavo'-e guneh šenāxti dar āmuzeš va pažuheš-e miyān rešteḥ-i. *Motāle'āt-e miyān rešteḥ-i dar 'olum-e ensāni*, 1(4), 57-83.
- Zāker Sālehi, Gh. (1389/2010). Vaz'iyat-e tulid va entešār-e ketāb hā-ye 'olum-e ejtemā'i dar Irān bar asās-e olgu hā-ye 'elm sanji. *Jāme'eh šenāsi-e Irān*, 11(3), 56-77.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

3

Vol.7
No.4
Autumn 2015